

امروزه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، بیکاری یکی از مهمترین مشکلات اجتماعی است. بیکاری در این کشورها بویژه در مناطق شهری و در میان جوانان و تحصیل کردگان افزایش یافته است. عرضهٔ روبه رشد و تقاضای ناکافی نیروی کار عامل اصلی بیکاری در این کشورهاست.

در ایران، در ۳۶ سال گذشته، همراه با تحولات اجتماعی و دوره‌های رونق و رکود اقتصادی، شمار بیکاران نوسانهایی داشته است. در این میان، رشد جمعیت ناشی از بالا بودن سطح باروری و کاهش مرگ و میر و نبود سرمایه گذاری کافی برای افزایش تقاضای نیروی کار، نقش بنیادی داشته است. بررسی ویژگیهای بیکاران در ایران نشان می دهد که نزدیک به نیمی از بیکاران را افراد ۱۵-۲۴ سال و بیشتر آنان را کسانی که پیش از این هم شاغل نبوده اند تشکیل می دهند که از جمعیت شاغل باسوادترند. نزدیک به ۲۵ درصد بیکاران دارای تحصیلات دبیرستانی اند و شمار بیکاران دارای تحصیلات عالی روبه افزایش گذاشته است.

بیکاری: علتها، ابعاد و نوسانهای آن در ایران

پیشگفتار

برای این مشکل کمک کند. این مقاله در دو بخش تنظیم شده است: در بخش نخست، برای به دست دادن زمینه‌ای نظری و تصویری از ویژگیهای بیکاری در کشورهای در حال توسعه، ویژگی‌ها و علتهای بیکاری در این کشورها بررسی شده و در بخش دوم، بر پایهٔ آمارها و شاخص‌هایی، ابعاد و نوسانهای بیکاری در ایران در ۳۶ سال (۱۳۸۲-۱۳۴۵) تجزیه و تحلیل شده است.

۱- بیکاری در کشورهای در حال توسعه:

امروزه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، بیکاری آشکار بویژه در مناطق شهری، بر ۱۰ تا ۲۰ درصد نیروی کار سایه افکنده است، بیکاری در میان جوانان و دانش‌آموختگان ۱۵ تا ۲۴ ساله، بیشتر و گاه دو برابر میزان بیکاری در کل نیروی کار است. در این کشورها، بیکاران نسبت به جمعیت شاغل در بیشتر موارد از سطح سواد و آموزش بالاتری برخوردارند. (تودارو، مایکل ۱۳۷۷، ۲۴۰؛ جولی، ریچارد و دیگران ۱۳۶۸، ۷۹) تا چندی پیش میزان بیکاری در میان

در دو دههٔ اخیر، بررسی مسئلهٔ بیکاری در کشورهای در حال توسعه جای ویژه‌ای در مطالعات اجتماعی یافته است. علت را باید در ابعاد، علتهای و پیامدهای بیکاری در این کشورها جستجو کرد. زیرا بیکاری در این کشورها مشکلی استراتژیک و اساسی است که با ساختهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیوند دارد و در نتیجه راه‌حلهای کوتاه‌مدت و ساده برای آن متصور نیست. گذشته از آن، بیکاری زمینه‌ساز بسیاری از دیگر مشکلات اجتماعی شده است. دامنهٔ بیکاری در این کشورها پیوسته گسترش یافته و بخش چشمگیری از جوانان و دانش‌آموختگان را در بر گرفته است. در ایران نیز در چند دههٔ اخیر بیکاری ابعاد تازه‌ای یافته است. بویژه از سال ۱۳۴۵ با افزایش مهاجرتهای روستایی و رشد شتابان شهرنشینی، میزان بیکاری در مناطق شهری و بویژه در میان جوانان و دانش‌آموختگان بالا رفته و بر مشکلات و مسایل اجتماعی ایران افزوده است. در چنین شرایطی، بررسی، تجزیه و تحلیل و شناخت ابعاد و علتهای بیکاری می‌تواند به یافتن راه‌حلهای مناسب

دکتر علی اصغر مهاجرانی
استاد بازنشسته دانشگاه اصفهان

دانش آموختگان به نسبت پایین تر بود و با افزایش سالهای تحصیل، میزان بیکاری کاهش می یافت. ولی گزارش اخیر یونسکو گویای آن است که هر چند آموزش پس از دوره دبیرستان موجب افزایش درآمد شخصی، کاهش سطح بیکاری و افزایش فرصتهای اشتغال و بالا رفتن پایگاه اجتماعی می شود، ولی بیکاری در میان دانش آموختگان در سطوح آموزش عالی افزایش یافته و به ظاهر، بستگی افزایش سطح تحصیل متخصصان با تغییرات در بازار کار از میان رفته است. گذشته از آن، بسیاری از دانش آموختگان در سطوح آموزش عالی مشاغلی دارند که بیرون از رشته آموزشی آنهاست. یکی از علل افزایش بیکاری در میان این گونه دانش آموختگان در کشورهای در حال توسعه، کاهش بنیادی تقاضای کارفرمای ارشد دانش آموختگان، یعنی دولت، بعنوان برآیندی از رقابت بین المللی و رویکردهای تازه سیاسی و اقتصادی است. بخش خصوصی در کشورها در وضعی نیست که دانش آموختگان مازاد را جذب کند و از این رو شمار دانش آموختگان بیکار در حال افزایش است. (پیام یونسکو، شماره ۳۴، ۲۴) رشد سالانه نیروی کار در کشورهای در حال توسعه در دهه ۱۹۸۰، ۲/۲ درصد و در دهه ۱۹۹۰، ۱/۲ درصد بوده است و شمار نیروی کار آنها از ۱/۸ میلیارد تن به ۲/۱ میلیارد تن رسیده است. این کشورها باید سالانه بیش از ۳۰ میلیون شغل تازه ایجاد کنند تا شمار کل بیکاران یا کم کاران آنها از رقم ۵۰۰ میلیون تن فراتر نرود. (تودارو، پیشین، ۲۴۷).

بیکاری شهری، در ساده ترین مفهوم خود از رشد به نسبت کند تقاضای نیروی کار در بخش صنعتی مدرن و بخش کشاورزی سنتی و رشد سریع عرضه نیروی کار که حاصل رشد سریع جمعیت و سطح بالای مهاجرت از روستا به شهر است، مایه می گیرد، ولی ابعاد مسئله بیکاری در کشورهای در حال توسعه از صرف کمبود فرصتهای اشتغال فراتر می رود و شامل تباین فزاینده توقعات بسیار بالای شغلی به ویژه در میان جوانان تحصیل کرده و مشاغل موجود در مناطق

شهری و روستایی می شود. (همان، ۲۴۰ و ۲۴۱) بر این پایه، علتهای مسئله بیکاری در کشورهای در حال توسعه از نارسایی تقاضای فراتر می رود. مدل های نظری برای افزایش اشتغال بیشتر بر دو فرآیند تأکید دارد: یکی انباشت سرمایه و رشد تقاضا در بخش تازه که به جذب نیروی کار می انجامد و دیگری تعدیل دستمزدها و قیمت دیگر عوامل تولید که به بهره گیری بیشتر از نیروی کار نسبت به دیگر عوامل تولید منجر می شود. (جولی، ریچارد و دیگران، ۱۳۶۸، ۲۱ و ۷۹) از دید برخی صاحب نظران برای کاهش بیکاری در این کشورها، این گونه راه حلها کافی نیست و اجرای سیاستی جامع در زمینه اشتغال، شامل اقداماتی برای ایجاد تعادل اقتصادی مناسب بین شهر و روستا، گسترش صنایع کوچک کاربر، از میان بردن انحراف قیمت عوامل تولید، انتخاب تکنولوژی مناسب و کاربر در تولید، تعدیل ارتباط مستقیم بین آموزش و اشتغال و سرانجام کاهش رشد جمعیت برای کاهش عرضه نیروی کار در آینده، لازم است. (تودارو، پیشین، ۲۰۹-۳۰۱)

برای شناخت بیشتر و بهتر ابعاد و علتهای بیکاری در کشورهای در حال توسعه (از جمله ایران) لازم است به انواع بیکاری و سهم هر یک در این کشورها پرداخته شود. از یک نظر بیکاری را می توان به دو گونه بیکاری طبیعی و بیکاری ناشی از نقصان تقاضا تقسیم کرد. بیکاری طبیعی خود دو گونه بیکاری اصطلاحی و بیکاری ساختاری دارد که علت اولی نبود اطلاعات کامل و نیز هزینه به دست آوردن اطلاعات است و در طول مدت آن بستگی به طول مدت لازم برای جستجوی شغل تازه دارد؛ در حالی که دلیل بیکاری ساختاری، تغییراتی است که در ساختار و ترکیب تقاضای کل از جمله تغییر ترکیب بخشهای اقتصادی پدید می آید و باعث جابه جایی نیروی کار می شود و از آنجا که بیکاران مهارتهای لازم برای مشاغل تازه را ندارند، مدتی طول می کشد تا آموزش و آمادگی تصدی شغل های تازه را پیدا کنند. می توان گفت که بیکاری ساختاری از ناهمگون بودن نیروی کار و امکان پذیر نبودن جانشین کامل آن ناشی می شود.

● بررسی ویژگیهای بیکاران در ایران نشان می دهد که نزدیک به نیمی از بیکاران را افراد ۲۴-۱۵ سال و بیشتر آنان را کسانی که پیش از این هم شاغل نبوده اند تشکیل می دهند که از جمعیت شاغل باسوادترند. نزدیک به ۲۵ درصد بیکاران دارای تحصیلات دبیرستانی اند و شمار بیکاران دارای تحصیلات عالی رو به افزایش گذاشته است.

(سبحانی، حسن ۱۳۷۲، ۲۱۳-۲۱۰) بیکاری ناشی از کمبود تقاضا، اغلب از کاهش سطح تقاضای کل بیشتر بر اثر سرمایه‌گذاری ناکافی یا به کارگیری تکنولوژی سرمایه‌بر مایه می‌گیرد. بیکاران از دسته نخست یعنی بیکاران طبیعی را بیشتر بیکارانی تشکیل می‌دهند که پیشتر شاغل بوده‌اند، در حالی که بیشتر بیکاران از دسته دوم به علت کمبود تقاضای نیروی کار، در شمار بیکاران تازه‌وارد به بازار کار قرار گرفته‌اند. بیکاری از گونه نخست، بیشتر در کشورهای توسعه یافته و بیکاری از گونه دوم بیشتر در کشورهای در حال توسعه دیده می‌شود. از این رو می‌توان افزایش عرضه و کمبود تقاضای نیروی کار را عامل اصلی بیکاری از گونه دوم در کشورهای در حال توسعه دانست.

عوامل مؤثر بر عرضه نیروی کار ترکیبی از متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که با توجه به نوع اقتصاد، ممکن است متفاوت باشند. مهمترین این عوامل عبارت است از اندازه و ترکیب جمعیت (شمار، ترکیب سنی و جنسی) که خود متأثر از باروری، مرگ و میر و مهاجرت است و میزان مشارکت در نیروی کار که بستگی به سن و ورود به بازار کار و میزان مشارکت زنان در نیروی کار دارد. سن و ورود به بازار کار متأثر از سن قانونی کار، دوره‌های رونق و رکود، نظام و قوانین آموزشی و میزان مشارکت در تحصیل، درآمد خانوادگی و... است و میزان مشارکت زنان در نیروی کار را عوامل اقتصادی و فرهنگی (بیشتر فرهنگی)، مسئولیت‌های خانگی و مقدار کار در خانه، روابط زن و شوهر و تصمیمات تعیین کننده مردان، اهمیت مشارکت در فعالیتهای اقتصادی، سن ازدواج، سالهای تحصیل در دبیرستان و دانشگاه، درآمد شوهر و شمار فرزندان تعیین می‌کند. (بلوم، دیوید و ریچارد فریمن ۱۳۶۶، ۱۲-۹؛ Gould, op. cit., 72؛ سبحانی، پیشین، ۷۰-۶۹) عوامل مؤثر بر تقاضای نیروی کار، تابع رشد اقتصادی، بهره‌وری نیروی کار، تکنولوژی و قیمت‌های نسبی کار و سرمایه است. در سطح کلان، میزان رشد اشتغال تابع رشد اقتصادی و افزایش تولید ناخالص داخلی است.

(فرجادی، غلامعلی ۱۳۷۶، ۲۶۲ و ۲۶۳) تقاضا برای نیروی کار به گونه مستقیم با حجم تولید و غیرمستقیم با بهره‌وری نیروی کار ارتباط دارد. هر چه بهره‌وری بالا، انباشت بالا و سرمایه‌گذاری بالا باشد، تقاضا برای نیروی کار بیشتر است. (Shrivastava, O.S. 1995, 567) بر سرهم عوامل مؤثر بر تقاضای نیروی کار را می‌توان به سرمایه، منابع طبیعی، تکنولوژی، سیاست‌های دولتی، منابع خارجی تقاضا، اندازه اقتصاد ملی و مقدار مشارکت بازار داخلی تقسیم کرد. (Ibid, 550, 562)؛ مای، لودویک ۱۳۵۰، ۵۲-۵۱؛ یونیتو ۱۳۶۵، ۷۰ و ۸۵؛ Leontief, Wassily 1983, 405؛ فریمن ۱۳۶۶، ۳۶-۳۴؛ International Labour Office 1995, 69؛ Gould, W.T.S. Lawton Office 1995, 70-71؛ سبحانی، پیشین ۲۳-۳۲؛ (United Nations 1995, 194, 195).

۲- بیکاری در ایران:

۲-۱- مشکل داده‌ها:

اطلاعات آماری آمده در این مقاله درباره شمار بیکاران و ابعاد بیکاری در ایران بر نتایج سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن در سالهای ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و آمارگیری نمونه‌ای از ویژگیهای اشتغال و بیکاری خانوار در اردیبهشت ۱۳۸۲ استوار است. تعریف بیکار در این منابع آماری یکسان نبوده و تفاوت‌هایی داشته است. شمار بیکاران در سرشماری سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ در برگیرنده آن دسته از بیکاران فصلی نیز که در جستجوی کار دیگری نبوده‌اند، می‌شود؛ در حالی که در سرشماری سالهای ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و آمارگیری نمونه‌ای اردیبهشت ۱۳۸۲ بیکاران فصلی که در جستجوی کار نبوده‌اند از شمار شاغلان آورده شده‌اند. از آنجا که شمار بیکاران فصلی که در جستجوی کار بوده یا در جستجوی کار نبوده‌اند، به تفکیک در دست نیست، امکان همسان‌سازی آمار بیکاران در سالهای گوناگون با تعریف و مفهوم یکسان وجود ندارد. از این رو، با نادیده گرفتن این تفاوت، تعاریف بیکار در

● در دو دهه اخیر، بررسی مسئله بیکاری در کشورهای در حال توسعه جای ویژه‌ای در مطالعات اجتماعی یافته است. علت‌ها و اباید در ابعاد، علت‌ها و پیامدهای بیکاری در این کشورها جستجو کرد زیرا بیکاری در این کشورها مشکلی استراتژیک و اساسی است که با ساختهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیوند دارد و در نتیجه راه‌حلهای کوتاه مدت و ساده برای آن متصور نیست. گذشته از آن، بیکاری زمینه‌ساز بسیاری از دیگر مشکلات اجتماعی شده است.

میزانهای رشد نیروی کار تا سال ۱۳۷۵ روندی رو به کاهش داشته است و از ۲/۶ درصد در دهه ۴۵-۵۵ به ۲/۴ درصد در دهه ۶۵-۵۵ و ۲/۲ درصد در دهه ۷۵-۶۵ رسیده که دلیل آن افزایش میزان مشارکت در تحصیل جمعیت ۱۵-۲۴ ساله بوده است. میزان مشارکت در تحصیل جمعیت ۱۵-۲۴ ساله در ۱۳۵۵ برابر ۲۴/۹ درصد بوده است که در ۱۳۷۵ به ۳۶/۵ درصد افزایش یافته است. در آن مدت، درصد جمعیت فعال در گروههای سنی ۱۹-۱۵ و ۲۴-۲۰ ساله به ترتیب از ۴۳/۷ درصد و ۵۰/۷ درصد به ۲۱/۷ درصد و ۴۳ درصد کاهش یافته که بالا رفتن سن ورود به بازار کار را نشان می دهد. با فارغ التحصیل شدن و وارد شدن دانش آموختگان به بازار کار از سال ۱۳۷۵ شاهد افزایش عرضه نیروی کار هستیم. علت رشد نیروی کار از سال ۱۳۷۵، بالا بودن سطح باروری و افزایش مولید در دهه ۶۵-۵۵ (که با فرض ۲۰ سالگی بعنوان سن ورود به بازار کار، از ۱۳۷۵ آرام آرام وارد بازار کار شده اند) و افزایش میزان مشارکت زنان در نیروی کار و ورود فارغ التحصیلان دانشگاهها به بازار کار بوده است.

میزان فعالیت زنان که در دهه ۶۵-۵۵ ۱۳۵۵-۶۵ کاهش یافته و از ۱۲/۹ درصد به ۷ درصد رسیده بود با اندکی افزایش به ۹/۱ درصد در ۱۳۷۵ و ۱۰/۹ درصد در اردیبهشت ۱۳۸۲ رسیده است. در سالهای ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۲ از هر صد نفر نیروی کار در ایران به ترتیب ۱۴/۸ درصد، ۱۲/۷ درصد و ۱۴/۲ درصد از زنان تشکیل داده اند. با بالا رفتن سطح تحصیلات زنان و ورود دانش آموختگان زن به بازار کار، رشد عرضه نیروی کار بازم بیشتر خواهد شد. سازمان برنامه و بودجه رشد سالانه عرضه نیروی کار را در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹-۸۳) ۳/۷ درصد در نظر داشته که بر این پایه در سال ۱۳۸۳ شمار نیروی کار ایران باید به ۲۱۵۰۰۰۰ نفر می رسیده است (سازمان برنامه و بودجه ۱۳۷۸، ۱۴۱). با فرض ۳/۷ درصد رشد سالانه نیروی کار در فاصله

سرشماریها و آمارگیریها، به همان گونه که بوده پذیرفته شده است. در بررسیهای مشابه نیز ناگزیر به همین سان رفتار شده است. (رفیعی، مینو و همکاران ۱۳۶۸، ۲) نیز گفتنی است که آمارهای آمده در این مقاله از شمار بیکاران، تنها بیکاران آشکار را در بر می گیرد و ناظر به کم کاران و بیکاران پنهان نیست.

۲-۲- ابعاد و نوسانهای بیکاری در ایران:

در سال ۱۳۴۵ شمار بیکاران در ایران ۷۲۵۶۸۹ تن بوده که این رقم در سال ۱۳۵۵ به ۹۹۶۶۳۶ تن افزایش یافته است. این افزایش میانگین رشد سالانه ۳/۲ درصد را نشان می دهد. در سال ۱۳۶۵ شمار بیکاران به ۱۸۱۸۷۴۰ تن رسیده که رشد سالانه آن ۶/۲ درصد می شود. در سال ۱۳۷۵ شمار بیکاران به ۱۴۵۵۶۵۱ تن کاهش یافته که نسبت به سال ۱۳۶۵ رشد منفی ۲/۲ درصد را در هر سال داشته است. از سال ۱۳۷۵ شمار بیکاران رو به افزایش گذاشته و در اردیبهشت ۱۳۸۲ به ۲/۳۵۰/۰۰۰ نفر رسیده که رشد سالانه آن ۷/۶ درصد است. در بررسی شمار بیکاران در ۳۶ سال گذشته (۱۳۴۵-۱۳۸۲) با نوسان به نسبت شدید میزان بیکاری بویژه افزایش چشمگیر آن در دهه ۶۵-۵۵ و دوره ۸۲-۱۳۷۵ روبرو می شویم. علت افزایش بیکاری در دهه ۶۵-۵۵ را می توان کاهش تقاضای نیروی کار بر اثر تعطیل شدن برخی از کارخانهها یا ویرانی آنها در دوران جنگ تحمیلی، کمبود مواد اولیه و قطعات یدکی و رکود نسبی صنایع دستی بویژه قالی بافی دانست. در دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ در پرتو رونق نسبی اقتصادی و افزایش تقاضای نیروی کار به ویژه در بخش صنعت و خدمات از بیکاری کاسته شده است. علت افزایش بیکاری از سال ۱۳۷۵، افزایش عرضه نیروی کار و تقاضای ناکافی نیروی کار بوده است. میزان بیکاری نیروی کار ایران در سالهای ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ و اردیبهشت ۱۳۸۲ به ترتیب ۹/۶ درصد، ۱۰/۲ درصد، ۱۴/۲ درصد، ۹/۱ درصد و ۱۱/۶ درصد بوده است. (مهاجرانی، علی اصغر، ۱۳۷۷، ۱۸۶؛

● بیکاری شهری، در ساده ترین مفهوم خود از رشد به نسبت کند تقاضای نیروی کار در بخش صنعتی مدرن و بخش کشاورزی سنتی و رشد سریع عرضه نیروی کار که حاصل رشد سریع جمعیت و سطح بالای مهاجرت از روستا به شهر است، مایه می گیرد، ولی ابعاد مسئله بیکاری در کشورهای در حال توسعه از صرف کمبود فرصتهای اشتغال فراتر می رود و شامل تباین فزاینده توقعات بسیار بالای شغلی بویژه در میان جوانان تحصیل کرده و مشاغل موجود در مناطق شهری و روستایی می شود.

سالهای ۱۳۷۵-۸۳ بطور متوسط در هر سال به ۶۸۴۰۰۰ شغل تازه نیاز بوده تا شمار بیکاران در سطح سال ۱۳۷۵ بماند.

بر آورد یکی از کارشناسان سازمان مدیریت و برنامه ریزی گویای آن است که شمار متقاضیان کار (مشاغل) در ۱۳۸۵ به ۲۰۶۵۸۰۰۰ تن خواهد رسید. در این صورت اگر رشد عرضه نیروی کار ایران در دهه ۸۵-۱۳۷۵، ۳/۷ درصد باشد، شمار نیروی کار ایران در سال ۸۵، ۲۳۰۴۸۰۰۰ تن و شمار بیکاران ۲۳۹۰۰۰۰ تن خواهد بود که هر چند میزان بیکاری به ۱۰/۴ درصد کاهش یافته، ولی شمار بیکاران، کمی از شمار بیکاران در سال ۱۳۸۲ فراتر می رود. این در شرایطی است که نرخ رشد تولید خالص داخلی ایران ۵/۷ درصد و دستمزدهای واقعی ثابت باقی بماند (متقی، لی لی، ۱۳۷۷، ۵۴، ۵۰) گذشته از آن، بهره‌وری نیروی کار و ضریب کاربری تولید نقش تعیین کننده‌ای در تقاضای نیروی کار دارد. بررسیهای انجام شده نشان می‌دهد که با افزایش بهره‌وری نیروی کار، تقاضای کار افزایش و با کاهش آن تقاضای نیروی کار کاهش یافته است. ضریب کاربری تولید نیز اثر چشم‌گیری بر میزان اشتغال دارد. برخی محصولات در قیاس با محصولات دیگر، در هر واحد محصول به نیروی کار بیشتری نیاز دارد و بدین روی افزایش تولید این گونه محصولات، اشتغال بالاتری در پی خواهد داشت. برای نمونه، بخش‌های خدمات دولتی، از جمله آموزش دولتی، دفاع، بهداشت دولتی و امور عمومی بالاترین قدرت اشتغال‌زایی را در میان گروه‌های اصلی فعالیت در ایران داشته‌اند. (فرجادی، پیشین، ۳۱۲).

۲-۳- ویژگیهای بیکاران در ایران:

در ایران نیز همانند دیگر کشورهای در حال توسعه، بخش چشمگیری از بیکاران را جوانان تشکیل می‌دهند. در سالهای ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۲ به ترتیب ۵۰/۸ درصد، ۵۰ درصد و ۶۰ درصد بیکاران را افراد ۱۵-۲۴ ساله تشکیل می‌داده‌اند و ۱۱/۹ درصد، ۱۳/۶ درصد و ۱۹/۷

درصد بیکاران در گروه سنی ۲۹-۲۵ قرار داشته‌اند. به سخن دیگر، در سالهای ۶۵، ۷۵ و ۸۲ به ترتیب ۷۲/۸ درصد، ۷۰/۷ درصد و ۸۰/۹ درصد بیکاران ۱۰ تا ۲۹ ساله بوده‌اند. (جدول شماره ۲) گروه‌های سنی یادشده در بیشتر موارد بالاترین میزان بیکاری را دارند. (جدول شماره ۴) در سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۲ از شمار کل بیکاران، به ترتیب ۷۳/۹ درصد و ۴۸/۹ درصد بیشتر شاغل نبوده‌اند؛ ۸۱/۳ درصد و ۷۴/۹ درصد بیکاران را مردان و ۱۸/۷ درصد و ۲۵/۱ درصد را زنان تشکیل می‌داده‌اند که این، نشان‌دهنده افزایش بیکاران در میان زنان و گویای این نکته است که به رغم پایین بودن نسبی میزان مشارکت زنان در نیروی کار ایران، دامنه بیکاری در میان زنان بیش از مردان است، به گونه‌ای که در سال ۱۳۷۵ میزان بیکاری نیروی کار زنان ۱۳/۳ درصد و میزان بیکاری نیروی کار مردان ۸/۵ درصد و در اردیبهشت ۱۳۸۲، به ترتیب ۲۰/۴ درصد و ۱۰/۲ درصد بوده است. علت این تفاوت را باید محدود بودن نوع مشاغل ارائه شده به زنان و گرایش کارفرمایان به استخدام مردان دانست. (مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ و کل کشور و آمارگیری اشتغال و بیکاری خانوار- اردیبهشت ۱۳۸۲).

در ایران نیز همانند دیگر کشورهای در حال توسعه، بیکاران در قیاس با جمعیت شاغل باسوادترند. در سالهای ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۲ به ترتیب ۶۷ درصد، ۸۲/۳ درصد و ۹۶ درصد بیکاران را باسوادان تشکیل می‌داده‌اند که نسبت به جمعیت شاغل در سطح بالاتری قرار داشته‌اند. میزان باسوادی جمعیت شاغل در سالهای ۷۵ و ۸۲ به ترتیب ۷۸/۵ درصد و ۸۵/۶ درصد بوده است؛ در سالهای یادشده، نزدیک به ۲۵ درصد از بیکاران دارای تحصیلات دبیرستانی بوده‌اند. نسبت بیکاران دارای تحصیلات عالی از سال ۱۳۶۵ رو به افزایش بوده و از ۱/۸ درصد به ۴/۸ درصد در سال ۷۵ و ۱۳/۷ درصد در سال ۸۲ رسیده است. (جدول شماره ۳) از کل بیکارانی که بیشتر شاغل بوده‌اند، در سال

● بر آورد یکی از کارشناسان سازمان مدیریت و برنامه ریزی گویای آن است که شمار متقاضیان کار (مشاغل) در ۱۳۸۵ به ۲۰۶۵۸۰۰۰ تن خواهد رسید. در این صورت اگر رشد عرضه نیروی کار ایران در دهه ۸۵-۱۳۷۵، ۳/۷ درصد باشد، شمار نیروی کار ایران در سال ۸۵، ۲۳۰۴۸۰۰۰ تن و شمار بیکاران ۲۳۹۰۰۰۰ تن خواهد بود که هر چند میزان بیکاری به ۱۰/۴ درصد کاهش یافته، ولی شمار بیکاران، کمی از شمار بیکاران در سال ۱۳۸۲ فراتر می‌رود. این در شرایطی است که نرخ رشد تولید خالص داخلی ایران ۵/۷ درصد و دستمزدهای واقعی ثابت باقی بماند.

فارسی:

۶. تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، تهران، ۱۳۷۷.

۷. بلوم، دیوید و ریچارد فریمن، «اثرات رشد جمعیت بر عرضه نیروی کار و اشتغال در کشورهای در حال توسعه»، گزیده مسایل اقتصادی - اجتماعی، شماره ۶۸ و ۶۹، تهران، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۶.

۸. جولی، ریچارد و دیگران، اشتغال در جهان سوم، ترجمه احمد خزاعی، سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۶۸.

۹. سبحانی، حسن، اقتصاد کار و نیروی انسانی، سمت، تهران، ۱۳۷۲.

۱۰. یونیدو، صنعت در جهان متغیر، ترجمه غلامرضا نصیرزاده، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۵.

۱۱. فرجادی، غلامعلی، بازار کار، اشتغال و بیکاری، اقتصاد ایران، تدوین و تنظیم مسعود نبلی، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، تهران، ۱۳۷۶.

۱۲. متقی، لی لی، «تحلیل و برآورد تقاضای اشتغال در ایران، ۱۳۸۵-۱۳۵۰»، برنامه و بودجه، سازمان برنامه و بودجه، شماره ۲۷، تیرماه ۱۳۷۷.

۱۳. سازمان برنامه و بودجه، سند برنامه، برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۷۹) پیوست شماره ۲ لایحه برنامه، جلد اول، تهران، ۱۳۷۸.

۱۴. مای، لودویک اچ، آشنایی با علم اقتصاد، ترجمه اصغر هدایتی، تهران، کتابهای جیبی، ۱۳۵۰.

۱۵. رفیعی، مینو و همکاران، تحلیل اشتغال منطقه گیلان و مازندران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران، ۱۳۶۸.

۱۶. مهاجرانی، علی اصغر، «تحوّل اشتغال و بیکاری در ایران (۱۳۷۵-۱۳۴۵)»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۲۹-۱۳۰، خرداد و تیر ۱۳۷۷.

۱۷. مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵، کل کشور و آمارگیری از ویژگیهای اشتغال و بیکاری خانوار، اردیبهشت ۱۳۸۲.

۱۸. یونسکو، پیام یونسکو، شماره ۳۴، ۱۳۷۸.

۱۳۷۵ بیش از ۱/۴ یعنی ۲۵/۹ درصد پیش از بیکاری، مشاغل در گروههای عمده شغلی داشته‌اند. و ۱۸/۸ درصد از کارکنان ساده بوده‌اند و پس از آنها ۱۴/۵ درصد را کارکنان ماهر در بخشهای کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری تشکیل می‌داده‌اند؛ در حالی که در سال ۱۳۸۲ بیشترین درصد بیکاران از این دست، به ترتیب در گروه کارکنان اداری و دفتری و صنعت گران و کارکنان در بخشهای مربوط و کارکنان ساده بوده‌اند. (جدول شماره ۴)

در اردیبهشت ۱۳۸۲، طول مدت بیکاری ۷۱/۸ درصد از بیکاران (تازمان آمارگیری) بیش از یک سال بوده است. در سال ۱۳۶۵ میزان بیکاری نیروی کار ایران در مناطق شهری ۱۵/۳ درصد و در مناطق روستایی ۱۲/۹ درصد بوده، در حالی که در سال ۱۳۷۵ میزان بیکاری نیروی کار در مناطق شهری کمتر از روستایی یعنی ۸/۸ درصد در برابر ۹/۴ درصد بوده است. (مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵، کل کشور) در آمارگیری نمونه‌ای در اردیبهشت ۱۳۸۲ میزان بیکاری روستایی ۹/۴ درصد و بیکاری شهری ۱۲/۸ درصد گزارش شده است. (مرکز آمار ایران، آمارگیری از ویژگیهای اشتغال و بیکاری خانوار - اردیبهشت ۱۳۸۲)

فهرست منابع:

انگلیسی:

1. Gould, W.T.S, Lawton, R (edited) **Planning for Population Change**, Croom Helm. London, 1988.
2. International Labour Office., **World Employment 1995, An I.L.O Report**, Geneva 1995.
3. Leontief, Wassily, "Technological Advance, Economic growth and Distribution of Income." **Population and Development Review**, Volume 9, No3, 1983.
4. Shrivastava O.S. **Demography and Population studies**, Vikas Publication House Pvt LTD, India 1995.

● بررسیهای انجام شده نشان می‌دهد که با افزایش بهره‌وری نیروی کار، تقاضای کار افزایش و با کاهش آن تقاضای نیروی کار کاهش یافته است. ضریب کاربری تولید نیز اثر چشم‌گیری بر میزان اشتغال دارد. برخی محصولات در قیاس با محصولات دیگر، در هر واحد محصول به نیروی کار بیشتری نیاز دارد و بدین روی افزایش تولید این گونه محصولات، اشتغال بالاتری در پی خواهد داشت.